

## ساخت وساز در پارک لاله متوقف شد

ساخت وساز در پارک لاله با ورود شورای شهر متوقف شد. به گزارش ایستنا، رئیس کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران از توقف ساخت



وساز در پارک لاله خبر داد. مهدی عباسی، با اشاره به برگزاری جلسه‌ای در کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران با موضوع پارک لاله گفت: در این جلسه معاون خدمات شهری، مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و شهردار منطقه حضور داشتند و قرار شد که ساخت وساز را متوقف کنند. به گفته وی، همچنین مقرر شد که طرح ساخت وساز برای جمع‌بندی به کمیسیون شهرسازی شورای شهر ارائه شود تا بررسی‌های لازم صورت گیرد.

## اسماعیلی مطرح کرد:

## حضور هزاران ناشر و بیش از ۲۵ کشور در نمایشگاه کتاب تهران

وزیر ارشاد گفت: نمایشگاه کتاب امسال برای نخستین بار در ۱۵۰ هزار متر در حال برگزاری است و بیش از ۲۵ کشور و هزاران ناشر در نمایشگاه حضور فعال دارند. به گزارش ایلنا، محمدمهدی اسماعیلی دیروز در حیاط دولت، ادامه داد: انصاف مهمی که برای دومین سال جریان دارد، عدالت فرهنگی است؛ به گونه‌ای که هر فرد ایرانی می‌تواند با ورود به سامانه با تخفیف خرید کند و کتاب به صورت رایگان تحویل وی شود. سال گذشته نزدیک به ۲ میلیون نفر از این طریق خرید کردند و امسال هم این شیوه ادامه دارد.



## وزیر علوم خبر داد:

## توافق برای تأسیس شعب دانشگاه‌های ایرانی در عراق

وزیر علوم گفت: دانشگاه‌های بزرگ ما مثل شریف، تهران و بعضی از دانشگاه‌های شهرستانی در ریزنی‌هایی خود با دانشگاه‌های مطرح عراق توافقاتی را داشتند و در حال تأسیس شعبی در این کشور هستند. به گزارش خبرنگار ایلنا، محمدمهدی زلفی گل در پایان جلسه هیأت دولت صبح دیروز، افزود: خوشبختانه در این زمینه اتفاقات خوبی افتاده، در وزارت بهداشت هم این اتفاق سابقه دارد.



## «گیج‌گاه» برنده جایزه تپیک شد

فیلم سینمایی «گیج‌گاه» برنده جایزه تپیک از بیست و پنجمین جشنواره جئونجو در کره جنوبی شد. به گزارش ایلنا، فیلم سینمایی «گیج‌گاه» به کارگردانی عادل تبریزی و تهیه‌کنندگی حنیف سروری و میرولی اله‌مدنی برنده جایزه تپیک از بیست و پنجمین جشنواره جئونجو در کره جنوبی شد. نت پک (NETPAC) یک سازمان پیشرو برای کشف و ترویج سینمای آسیایسپتیک است که در سال ۱۹۹۰ در دهلی نو تأسیس شده است. حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، بهرنگ علوی، امیر حسین رستمی، نادر سلیمانی، بیژن بنفشه‌خواه، سیاوش چراغی پور، مریم همتیان، داودونداده و وحید حتمی بازیگران این فیلم سینمایی هستند. این فیلم با هنرمندی جمشید آریا، فرهاد آئیش، حسن رضایی و شادروان رضا صفایی پور همراه است. ماداکتو پیکچرز عرضه و توزیع بین‌المللی این اثر را بر عهده دارد.



## «آشیل» به جشنواره فیلم سیدنی دعوت شد

هفتاد و یکمین جشنواره فیلم سیدنی در استرالیا میزبان نمایش فیلم «آشیل» محصول مشترک ایران، آلمان و فرانسه خواهد بود. به گزارش ایستنا، «آشیل» نخستین ساخته بلند فرهاد دل آرام در جدیدترین حضور بین‌المللی خود در بخش فیلم‌های بلند هفتاد و یکمین دوره جشنواره فیلم سیدنی در استرالیا به روی پرده می‌رود. میرسعید مولویان، بهدخت ولیان، رؤیا افشار و ندا عقیقی بازیگران اصلی این فیلم هستند. داستان فیلم درباره جوان فیلمسازی است که سرخورده از شرایط در بیمارستانی به‌عنوان مسئول وسایل بخش ارتوپدی مشغول کار است و آشنایی او با یکی از بیماران ماجراهایی را برای آنها رقم می‌زند. هفتاد و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم سیدنی از تاریخ ۶ تا ۱۶ ژوئن (۱۷ تا ۲۷ خرداد) در استرالیا برگزار می‌شود و شامل نمایش ۹۷ فیلم از ۶۹ کشور از جمله ۲۸ نمایش نخست جهانی خواهد بود.



محمدحسن خدایی

چیزی که این روزها با نام «کنسرت-تئاتر» در فضای تئاتری کشور مرسوم شده، پاسخ به نیازی است که در عرصه موسیقی کشور چندان به مخاطبان عرضه نمی‌شود و فضای به نسبت از این جنبه و سهیل الوصل تئاتر این امکان را فراهم می‌کند که با رویکردی تلفیقی، اجرایی ملهم از دوازده مختلف هنری ساخته شود که پذیرای دوستداران هنرهای نمایش و موسیقی باشد. تکنیک این تلفیق ژانرها کاملاً سبک‌ساز است: یک نمایش ترتیب داده شده و برای جذابیت بیشتر و جلب مخاطبان فزون‌تر، چند آهنگ در میان صحنه‌ها اجرا شده و از این طریق به نیاز تماشاگران پاسخ داده می‌شود. به هر حال بعضی مخاطبان اجراهای تئاتری که به تازگی به این عرصه وارد شده‌اند دوست دارند هنگام تماشای نمایش به حوزه‌های دیگر هنر سُرک کشیده و به تماشای یک اجرا بنشینند که هم تئاتر باشد و هم موسیقی. کنسرت-نمایش «و تو هم برنگشتی» کاملاً به این مختصات اجرایی معنا می‌یابد و حضور شاعر شناخته‌شده‌ای چون شمس لنگرودی، مزید علت است که به‌لبت‌هایش به راحتی فروش رفته و استقبال از آن خوب و مناسب باشد. به لحاظ مضمونی اجرا در رابطه با یک انسان یا به سن گذاشته به نام «خسرو» است که طبع شاعرانه دارد و پیش از این در طول زندگی خویش چه بسیار شعر سروده و دیگران را از شاعرانگی اش تبریز کرده است. اما چرخ روزگار بد کردار این روزها چنان می‌چرخد که جناب شاعر به بیماری آلزایمر دچار شده و سامان زندگی روزمره‌اش از دست رفته است. حال باید مدام برای این شاعر که مشمول زوال عقل شده چیزهایی یادآوری شود تا هویت انسانی‌اش به‌طور کامل به دست فراموشی سپرده نشود.

سافرنر جیبی در مقام نویسنده و بازیگر این اثر، گذشته در حال فراموشی خسرو را به میانجی حضور چند بسدن مجزا از هم از نو برمی‌سازد. به دیگر سخن قرار است بره‌های مختلف زندگی خسروی

شاعر از طریق حضور این بدن‌ها بازنمایی شده و به نوعی مفصل‌بندی شود. این بدن‌های متکثر با حضور و غیاب‌شان در صحنه، باید در حد توان خسروهایی باشند فرخوانده شده از زمان ماضی که در مواجهه با زمان حال خسروی گرفتار آلزایمر، میانجی به یاد آوردن خاطرات گذشته شوند. بنابر این اجرا با ساختن یک فضای هندسی از حضور بدن‌هایی که میانجی اتصال با گذشته فروپاشیده خسرو هستند علیه زوال عقل و هجوم بی‌امان فراموشی مکنیسی دفاعی به‌کار می‌گیرد. اینجا و اکنون خسروی گرفتار آلزایمر بازی شمس لنگرودی در نهایت به این توانایی می‌رسد که بار دیگر از طریق مواجهه با بدن‌هایی که کودکی، جوانی و میانسالی خسرو را بازنمایی می‌کنند، اشعار عاشقانه خویش را به یاد آورده و آن‌ها اجرا کند.

شمس لنگرودی بیش از آن که بخواهد خسروی شاعر باشد، بیش و کم

نقش خود را بازی می‌کند. تماشاگران هم از این رویکرد اجرایی رضایت‌نازندان قضا هنگام شعرخوانی جناب‌شاعر برسر کیف آمده‌اند و او را هم‌دانه همراهی می‌کنند. با آن که شاعر محبوب ما، پیش از این در بعضی پروژه‌های سینمایی نقش آفرینی کرده اما حضورش بر صحنه تئاتر آن هم برای اولین بار می‌تواند امری مبارک و مغتنم باشد. به هر حال در این سال‌های عجیب و غریب تاریخ ایران شاهد بودیم که چگونه صحنه تئاتر به تسخیر بعضی سلب‌ریتی‌های بی‌بنیاد و آموزش‌ندیده و پرمدعا درآمد و مصیبت‌ها بر سرش آوار شد. بعضی سلب‌ریتی‌ها یا همان ایگوهای متوری که بیش از نقش، دنبال دیده‌شدن و کسب فالوئر بودند ضریب مهلکی به فرآیند خلاقانه دراماتوری بیش از این بر امر تئاتر یک‌لایه گنوده باشد و بر صحنه تئاتر از نوع مثبت ماجرا است و بی‌شک تئاتر ما از این میزبانی ضرر نخواهد کرد. از یاد نبریم که چند سال

## درباره کنسرت-نمایش «و تو هم برنگشتی» با بازی شمس لنگرودی

## غزل غمناک شاعری که دیگر شعر نمی‌خواند



پیش‌چگونه در فضای شعری ایران مفهوم «شعر اجرایی» باب شد و بسیاری از شاعران جوان و مدرنیست تلاش کردند و چه اجرایی و پر فرم و متاثر یک شعر را جان بخشند. حال این امکان با حضور شمس لنگرودی از یک منظر تازه ممکن شده و شاعر شهر ما توانسته بار دیگر برای مخاطبان پر شمار خویش، شعرهای خود را به نوعی اجرا پذیرد.

با آن که مهیار علیزاده در جایگاه کارگردان، تجربه‌چندانی ندارد و حرف‌های آهنگسازی برای تئاتر و سینماست، اما در این کنسرت-نمایش سعی کرده به مدیوم تئاتر نزدیک شود و موسیقی را به خدمت نمایش درآورد. با تاملی این نکات مثبت به نظر می‌آید این شیوه اجرایی احتیاج دارد با یک فرآیند خلاقانه دراماتوری بیش از این بر امر تئاتر یک‌لایه گنوده باشد و حتی آهنگ‌هایی که اجرایی می‌شوند می‌توانند تئاتری داشته باشند. همچنین می‌تواند این نکته را متذکر شد که با تری و بر و هستیم

است. به هر حال این اجرامی تواند زست یک درام شاعرانه را به خود گرفته و علیه بازنمایی واقعیت باشد. اما نکته اینجاست که به قبول ماز با ریستانی در مقدمه نمایشنامه «تن‌دیگر تکه‌پاره‌های عشق» اولین دولاشلی‌ری، «پرسش از اثری شاعرانه، پرسش از بوطیقا است؛ اشاره به ویژگی‌هایی دارد که اثری را از باقی آثار متمایز می‌کند. به همین منظور و برای دست یافتن به تعریفی مشخص بر بی‌راه نیست که در بادی امر به زبان‌شناسی و شعرشناسی توسل جوییم و بوطیقای شاعرانه را از ذات شعر که زبان‌شناسی و شعرشناسی آن را تبیین کرده است، استخراج کنیم؛ خصوصیات و رفتارهایی که از شعر به دیگر ژانرها سرایت می‌کند و آن را دیگر گون می‌سازد؛ تکیه بر جنبه مشابهت و همانندی است که وجه غالب و عنصر سازنده زبان شاعرانه است به گونه‌ای که این ویژگی در تمامی عناصر متن منتشر می‌شود. شخصیت‌ها در عین تمایزشان بر اساس وجهی مشترک در هم ادغام و یکی می‌شوند؛ گویان که من، دیگری است. خاطره‌ها و یادآوری‌ها بر اساس همان اصل مشابهت و همانندی جان می‌گیرند.

انطباق روایت‌ها بر یکدیگر و تلاقی و هم‌زمانی‌شان؛ سبب‌الذات ذهن و زمان دایره‌وار و چرخ‌های؛ بر جسته‌کردن اندام و زبان و بیکه‌سازی فرآیندی که از طریق زبان ساخته می‌شود؛ به کارگیری زبانی استعاری و ایجاد عرصه‌های از معانی مختلف و شبکه‌پیچیده‌ای از نشانه‌ها. این همه و خیلی دیگر از ویژگی‌هایی می‌توانند در ژانرهای مختلف بسط پیدا کنند و ما را با کلیتی شاعرانه روبرو سازند. حال با این توضیح بوطیقای می‌توان نگاهی دوباره به کنسرت-نمایش «و تو هم برنگشتی» انداخت و در باب شاعرانگی‌اش به قضاوت نشست. چیزی که عیان است این که اجرا بیش از آن که «شاعرانه» باشد در رابطه با زندگی شاعر است. در نهایت است اجرا با بازی فرزین محدث، امیرحسین فتحی، ساغر رجبی، بلدا عباسی، مریم مشهور و وصال علوی، یک فرم تازه تئاتری پیشنهاد نمی‌دهد. اما این امکان را فراهم می‌کند که بار دیگر یک شاعر مقابل حضار بایستد و شعر خوانی کند و خاطره بسازد. مواجهه با «و تو هم برنگشتی» بر این سیاق است که تماشایی ولذت‌بخش است.

فیلم‌های سینمایی و حتی مستند که افغان‌ها را مظلوم، قربانی و ضعیف نشان می‌دهد، تصویری واقعی‌تر از این افراد به نمایش می‌گذارد. افغانی‌های فیلم «کسدوس» گاهی با جاسارت تمام از فضای شهری و معیشتی ایران انتقاد و حتی از آن‌ها مناسب‌ترین زندگی عنوان می‌کنند. گاهی از کارفرمایان و بی‌انصافی‌هایی که در حشاشان شده می‌گویند و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای هر آنچه در دل دارند را به زبان می‌آورند. اینگونه شخصیت‌پردازی اگر چه ممکن است از سوی برخی نهادها و حتی مردم ایران ناخوشایند به نظر برسد، اما واقعیتی است که تصویر شده و جلوی چشم تماشاگر قرار گرفته است.



در انتها باید «کسدوس» را از متفاوت‌ترین مستندهای به‌نمایش درآمده این سال‌های ایران دانست که هر اندازه موفق و حامی دارد به همان اندازه مخالف و منتقد نیز دارد. مضامین و موضوعات و نحوه پرداخت فیلم، به‌گونه‌ای است که برخی از تماشاگران را به شدت جذب و با شخصیت‌ها همراهی می‌کند. در سوی مقابل طیفی از تماشاگران نیز از فضای یکنواخت فیلم کلمه‌مند می‌شوند و مسائل مطرح شده در آن را تکراری و فاقد کارکرد کارگردار در امراتیک عنوان می‌کنند. اما «کسدوس» به‌دلیل همین تفاوت‌ها و ساختار و انگار خود توانسته جایگاه خوبی در میان بسیاری از منتقدان به‌دست‌آورد و در اکران جشنواره‌های هم وضعیت بدی نداشته است. این فیلم در جشنواره سینما حقیقت در سال ۱۳۹۷ جایزه بهترین کارگردانی را دریافت کرد.

و حتی کامل‌ترین شکل ممکن به تصویر درآورد. هنر سازندگان در «کسدوس» این بوده است که زندگی این افراد را به مثابه درام‌های جذاب و کنج‌کاو بر انگیز برای مخاطبان ارائه دهند؛ اینکه این تعداد مهاجر افغانی می‌خواهند از ایران خارج شوند دلایل مختلفی دارد که به نظر نمی‌رسد تماشاگر تپیش از این درباره آن اطلاعات کافی داشته باشد. اینکه در اوایل فیلم، مشکلات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی مطرح می‌شود تنها یکی از دلایل مهم خروج افغان‌ها از ایران است و دلایل مهم و متعدد دیگری در مستند، برای این تصمیم‌بندی می‌شود. در واقع فیلمساز سعی کرده فارغ از مضمون و محتوای دگرگونی‌های مرسوم، اصل مستندنمایی را مدنظر قرار دهد و در وهله نخست درام کنج‌کاو بر انگیز آدم‌های فیلم فارغ از نژاد و ملیت، به تصویر درآورد. در مراتب بعدی مضامین عمیق‌تر و دقیق‌تر فیلم قابل دریافت و برداشت است. به‌نوعی که سازندگان در همان ابتدا ناخوشایند ناخوشایند و هوشی فیلم را بر جسته‌کنند و سعی بر آن بود تا در وهله اول، مستندی جذاب و همراه‌کننده بسازند که در ابعاد دیگر می‌تواند بسیار آموزنده و حتی کاربردی و استراتژیک باشد از همین روست که تماشای چندباره مستند می‌تواند ابعاد و اطلاعات کامل‌تر و با جزئیات بیشتری را از مناسبات اجتماعی و فرهنگی افغان‌ها و همچنین مرادفات جامعه ایران و افغانستان مطرح کند.

تدوین مستند از امتیازات مهم آن به‌شمار می‌آید و باعث شده انسجام روایی خوبی میان موضوعات ریز و درشت فیلم به وجود بیاید. به علاوه اینکه نوعی تعلیق نیز در ساختار روایی آن به وجود آورده است. مستند «کسدوس» و سازندگان آن قصد فیلم‌ها را در این اثر رانداشتند و از سویی، ایده و سوز و بکر و دست نخورده‌ای را نیز بهانه ساخت این کار نکردند اما توانستند در جریان مصاحبه‌های کوتاه متصدیان یک‌دوره با گاه‌به‌گاه‌ها مهاجران افغانی، به چندین موقعیت این افراد و حال و هوای شریک این جمعیت نزدیک شوند، اتفاق به ظاهر ساده‌ای که با ساختن‌های یاد میسر شده و بدون شک محتوای یک ساعت و ده دقیقه‌ای حاضر، حاصل ساعت‌ها کار و فیلمبرداری و مصاحبه‌زمانه به‌دست آمده است.

اغراق نیست اگر «کسدوس» را مستند تصویری بخش‌قابل توجه و مهمی از مهاجران افغانی در ایران بنامیم که برای پژوهشگران حوزه مهاجرت به‌خصوص مهاجران افغانی می‌تواند اثری دارای اعتبار همراه با مرجعیت تصویری به‌شمار رود. مستندی که علاوه بر وضعیت مهاجران افغانی، تصویری از حال و هوای معیشت در ایران معاصر را از زبان مهم‌ترین بخش مهاجران خارجی به ایران ارائه می‌دهد. تصویری که در «کسدوس» از افغان‌ها ارائه می‌شود تصویری به‌غایت متفاوت و جدید از این ژانر فرهنگ است که بر خلاف دیگر

## برده نقره‌ای

## نگاهی به مستند «کسدوس» به بهانه اکران آنلاین

## تصویری متفاوت از مهاجران افغان در ایران



محمد تقی‌زاده

«کسدوس» در زبان یونانی، به معنی مهاجرت گروهی است و این مستند به سوز مهاجران افغانستانی در اردوگاه مهاجرتی امام‌ضاح (پر داخه) است. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع مهاجران افغانی در یکی دوسال اخیر، تحلیل هنری و جامعه‌شناسی این فیلم می‌تواند اهمیت دوچندان بر خود را داشته باشد؛ مضاف بر اینکه آتمسفر فضایی فیلم منحصراً به زمان ساخت آن نمی‌شود و با وجود گذشت ۵۵ سال از زمان تولید آن، می‌توان هنوز به موضوعات آن رجوع و به مضامین آن استناد کرد.

سوز مستند «کسدوس» از یک گالری عکاسی کتاب «فتو ریاحی» در لوس‌آنژ آمده و پس از یک دوره فیلمبرداری به‌طور تصادفی، ایده ساخت و نمایش فیلم شکل می‌گیرد. کتاب «فتو ریاحی» جمع‌آوری آرشیو عکس‌هایی از افغان‌تبارهایی بود که در دهه ۱۳۷۰ که هنوز نرم‌افزارهای پیام‌رسان موبایلی همه‌گیر نشده بود به این عکاسی می‌رفتند تا به نوعی نامه‌های تصویری تهیه کرده و برای